

چهره شاخص جریان همفکر با گروهک غیر قانونی نهضت آزادی شناخته می‌شود، در واقع مشروعیت دولتهای محبوب و مردمی بعد از انقلاب که با آرای میلیونی شهروندان بر سر کار آمدند را نفی کرد و بار دیگر سردرگمی و تضاد اندیشه‌های جریان مذکور را در دموکراسی خواهی از یک سو و مخالفت با سامانه‌ها و نهادهای دموکراتیک در کشور از سوی دیگر به نمایش گذاشت.

رادیو رژیم صهیونیستی نیز درباره این کنفرانس طی معرفی میهمانان ایرانی آن یادآور شد: «نویسندگان، شاعران، فیلمسازان و کارشناسان امور محیط زیست که همگی از حامیان جناح اصلاح طلب هستند، به آلمان دعوت شده بودند.»

دومین جلسه این کنفرانس نیز به علت مخالفت گسترده حاضرانی که عقیده‌های فکری سیاسی میهمانان ایرانی را تاکتیکی و غیر واقعی می‌دانستند، برگزار نشد و دو تن از میهمانان یعنی آقایان علیرضا علوی تبار و علیرضا افشار از تحکیم وحدت در حالی که مجبور بودند شعار «مزدور برو گمشو» را تحمل کنند، امکان نیافتند تا به عنوان اصلاح طلب ایرانی برای ایرانیان مقیم خارج اعم از ضد انقلاب و غیر آن به ایراد سخنرانی بپردازند. در کنفرانس برلین — که نماد بارز مداخله کشورهای اروپایی مثل آلمان در امور داخلی کشورمان به شمار می‌آید — جلالی پور، گنجی، علوی تبار، سبحانی، کردوانی، یوسفی اشکوری و جمیله کدیور به عنوان جریان اصلاح طلبی ایران در آن حضور داشتند. نکته جالب توجه اظهارات عباس معروفی — مدیر مؤول مجله تعطیل شده گردون که در آلمان اقامت دارد — می‌باشد. وی به رادیو بین‌المللی فرانسه گفت: «با این که دوستان بسیار نزدیک من از ایران دعوت شدند، ولی این کنفرانس "تک صدایی" است!» اشاره وی به همخوانی سخنان مدعوین و شعارهای عناصر ضد انقلاب حاضر در جلسات این کنفرانس می‌باشد.

برای مطالعه بیشتر

- امیر محبیان: صدا و سیما را بی اعتبار کردند و اعتبار مردم را از این رسانه گرفتند.^۱
کنفرانس برلین؛ موضوع مناظره مدیران مسؤول رسالت و فتح در حضور خبرنگاران^۲
محمود فرشیدی: آیا خاتمی به آلمان خواهد رفت؟^۳
ابراز نفرت عمومی از شرکت کنندگان در کنفرانس برلین^۴

۱. بیان، ۱۳۷۹/۲/۱۴، ص ۳.

۲. ۱۳۷۹/۱/۳۱، ص ۲.

۳. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱۷.

۴. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲ و ۱۹.

تلاش خبرگزاری جمهوری اسلامی برای انحراف افکار عمومی درباره کنفرانس برلین^۱
 توحید علیخانلو: «امنیت» و «وحدت» نیاز امروز جامعه^۲
 کنفرانس برلین: تداوم سیاستهای خیانت و تفرقه از یسارک تا امروز^۳
 تصویر رسوایی اصلاح طلبان آمریکایی در کنفرانس فضااحتبار برلین^۴
 ایران اسلامی یکپارچه در خشم و نفرت: مردم خواستار مجازات شرکت کنندگان در کنفرانس
 رسوای برلین شدند.^۵
 محمدکاظم انبارلویی: سخنی با آقای ابطحی^۶
 بیژن مقدم: کنفرانس برلین: سرآغاز پالایش جبهه دوم خرداد^۷
 حاشیه پردازان!^۸
 تشکر اقشار مختلف ملت از صدا و سیما
 شرکت کنندگان در کنفرانس برلین را مجازات کنید.^۹
 در گفت و گوی رسالت با جوانان عنوان شد: حفظ ارزشها، مفهوم اصلاح طلبی، دفاع از
 مقدسات و مشکلات معیشتی^{۱۰}
 محمود فرشیدی: کنفرانس برلین از نگاهی دیگر^{۱۱}
 ناصر ایمانی: خاتمی پیروز اصلی کنفرانس برلین!^{۱۲}
 در گفت و گوی رسالت دانشگاه با یکی از فعالان دانشجویان مسلمان ایران در آلمان مطرح شد
 (مهندس محمدعلی رامین): تشریح جزئیات اهداف و ابعاد پشت پرده کنفرانس برلین^{۱۳}
 محمدکاظم انبارلویی: باند مافیایی قدرت!^{۱۴}
 مردم اصفهان، انزجار خود را از شرکت کنندگان در کنفرانس برلین اعلام کردند.^{۱۵}
 محمود فرشیدی: سبزها، عالیجناب نیستند!^{۱۶}
 آلمان و سیاست براندازی نظام اسلامی ایران^{۱۷}
 مردم ایلام به شرکت کنندگان در کنفرانس برلین اعتراض کردند.^{۱۸}
 شنیده‌ها و نکته‌ها^{۱۹}

- | | |
|------------------------|---------------------|
| ۱. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲. | ۲. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱۳. |
| ۳. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۶. | ۴. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲. |
| ۵. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۲۰. | ۶. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۱. |
| ۷. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۲. | ۸. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲. |
| ۹. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۱۲. | ۱۰. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۵. |
| ۱۱. ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۱ و ۴. | ۱۲. ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۲. |
| ۱۳. ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۶. | ۱۴. ۱۳۷۹/۲/۷، ص ۱. |
| ۱۵. ۱۳۷۹/۲/۷، ص ۱۲. | ۱۶. ۱۳۷۹/۲/۷، ص ۳. |
| ۱۷. ۱۳۷۹/۲/۸، ص ۶. | ۱۸. ۱۳۷۹/۲/۸، ص ۱۶. |
| ۱۹. ۱۳۷۹/۲/۸، ص ۳. | |

حسن کربلایی: آگاهی، لبخند و زندان!^۱

شنیده‌ها و نکته‌ها^۲

آفتاب پشت ابر نماند، دادگاه علنی پته‌ها را روی آب ریخت! بحران‌سازی تعطیل^۳

علی‌رغم مخالفت فرماندار گچساران: مردم گچساران در تجمعی کم‌نظیر کنفرانس برلین را تقبیح کردند.^۴

شنیده‌ها و نکته‌ها^۵

وزارت امور خارجه در برابر ۹ سؤال^۶

محمدکاظم انبارلویی: مرزبندی جریک پیر اصلاحات!^۷

پشت پرده ستاد بحران^۸

عباس درویش توانگر: چگونه نقاب نفاق کنار رفت؟^۹

شنیده‌ها و نکته‌ها^{۱۰}

خانواده‌های معظم شهدای شه‌ریار خواستار برخورد قانونی با شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین شدند.^{۱۱}

از کنفرانس برلین تا ویلای لواسانات^{۱۲}

آفتاب امروز

دوگانه باوری در صدا و سیما^{۱۳}

تاکتیک جدید سازمان صدا و سیما، حضور در عرصه مطبوعات و ایجاد ارتباط با خوانندگان روزنامه‌های اصلاح‌طلب است. روابط عمومی سازمان سعی می‌کند با لحنی مستدل به انتقادهای فراوان مردم از این رسانه بزرگ ملی پاسخ دهد. آغاز این گفت‌وگو را می‌توان به‌فال نیک گرفت. اما متأسفانه این تاکتیک فاقد عنصر صداقت بوده و مصداق سیاست معروف یک بام و دو هواست. این جوابیه‌ها صرفاً مصرف خارج از سازمان دارد. شاید تصور می‌کنند با ادامه بحثهای نظری و کلامی منتقدان صدا و سیما را متقاعد خواهند کرد. اما بحث درباره برنامه‌های صدا و سیما یک بحث انتزاعی و مجرد نیست. بلکه ناظر به عملکرد

۲. ۱۳۷۹/۲/۱۱، ص ۳.

۴. ۱۳۷۹/۲/۱۱، ص ۱۲.

۶. ۱۳۷۹/۲/۱۴، ص ۱۵.

۸. ۱۳۷۹/۲/۱۳، ص ۲.

۱۰. ۱۳۷۹/۲/۱۸، ص ۳.

۱۲. ۱۳۷۹/۲/۱۸، ص ۲.

۱. ۱۳۷۹/۲/۸، ص ۳.

۳. ۱۳۷۹/۲/۱۱، ص ۵.

۵. ۱۳۷۹/۲/۱۳، ص ۳.

۷. ۱۳۷۹/۲/۱۴، ص ۱ و ۴.

۹. ۱۳۷۹/۲/۱۷، ص ۵.

۱۱. ۱۳۷۹/۲/۱۸، ص ۱۲.

۱۳. آفتاب امروز، ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۴.

شبهانه‌روزی این رسانه بزرگ است. بنابراین مدیران و برنامه‌ریزان صدا و سیما نیاز بیشتری به شنیدن نصایح جوابیه‌نویس خوش‌ذوق و روابط عمومی این سازمان دارند.

برای آنکه کلی و غیر مستند سخن نگفته باشم، به ذکر جملاتی از جوابیه صدا و سیما به یکی از خوانندگان روزنامه صبح امروز مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۸ می‌پردازم و آنگاه به اختصار عملکرد مدیریت صدا و سیما در پروژه تبلیغاتی کنفرانس برلین با ادعاهای این سازمان در مطبوعات را مقایسه می‌کنم. چرا این انتقاد چنین غیر علمی و غیر مستند، کلی و دویهلوست؟ مفهوم این سخن این است که مدیریت سیما معتقد است انتقاد باید علمی، مستند، صریح و شفاف باشد. در همین جوابیه می‌خوانیم: «اختلاف فکری لازمه انسان بودن است و هیچ جامعه‌ای را از آن گریز نیست. هر جا انسان است، اختلاف فکری است. این‌گونه اختلافات نه تنها ضرری ندارد، بلکه پرسود و رشدآفرین است. لذا طبیعی است که در یک نظام اجتماعی، بخشی از آن مورد قبول جمعی از مردم نباشد. این مسأله در عرصه فرهنگ بسیار بیشتر رخ می‌نماید که فرهنگ عرصه اندیشه است و بارزترین وجه اختلاف، اختلاف در فکر و اندیشه می‌باشد.» پروژه تبلیغاتی کنفرانس برلین که به کارگردانی و هدایت صدا و سیما به اجرا درآمد، چه مناسبتی با این مباحث نظری دارد؟ صدا و سیما با انگیزه سیاسی تبلیغات یکسویه و حساب‌شده‌ای را به قصد تحریک عواطف و احساسات اقشار کمتر سیاسی جامعه، علیه روزنامه‌نگاران به راه انداخته و ادامه می‌دهد و در این مسیر همه اصول علمی و اخلاقی اطلاع‌رسانی را زیر پا می‌گذارد و از این اصل پیروی می‌کند که دروغ هر چه بزرگتر باشد و با شدت و حدت تکرار شود، باورکردنی‌تر است، اما انحصار اطلاع‌رسانی در ایران شکسته شده است و مردم از واقعیتهای کنفرانس برلین مطلع شده یا می‌شوند. صدا و سیما، حرکات و اعمال معدودی عناصر بی‌اخلاق خشونت‌طلب و ضد نظام جمهوری اسلامی را به حساب روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب، مسالمت‌جو و عمیقاً اخلاقی گذاشت. تبلیغات صدا و سیما هیچ وجه تمایزی بین هموطنان با فرهنگ و میهن‌دوست مقیم خارج که دل در گرو ایران و پیشرفت آن دارند، با منشی اوپاش بی‌منطق و ضد ملی قائل نشد. صدا و سیما هیچ اشاره‌ای به ترک اعتراض‌آمیز جلسه توسط روزنامه‌نگاران ایرانی نکرد. از میان صدها جمله یک سخنران، تنها به گزینش یک یا دو جمله، بدون توجه به مقدمه و مؤخره آن به قصد تحریک احساسات بینندگان، بسنده کرد. از ۱۶ ساعت برنامه کنفرانس تنها نیم ساعت هنرنمایی اوپاش ضد ایرانی، مدیران صدا و سیما را خوش آمد. تبلیغات سیما به این نکته توجه نمی‌کند که اقدامات آنارشستی مخالفان برانداز نظام کوس رسوایی آنها را در اروپا و جهان بار دیگر به صدا درآورد و این خود دستاورد بزرگی است. متأسفانه سیما اصرار دارد که شعارها و

حرکات خشونت‌آمیز و غیر اخلاقی معترضین بی‌منطق را به حساب روزنامه‌نگاران و در مقیاسی کلی‌تر به حساب جنبش اصلاح‌طلبان بگذارد. صدا و سیما در مصاحبه با رهگذران و مسؤولان سیاسی با تقطیع و حذف و تخیلص، تنها برداشتهای خود را از زبان آنها به نمایش می‌گذارد و فراموش می‌کند که هر جا انسان است، اختلاف فکری است. تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان سیما یکسان فکر می‌کنند و یکسان سخن می‌گویند. صدا و سیما نظرات نخبگان فکری و فرهنگی جامعه و روزنامه‌نگاران را در مورد این ماجرا اصلاً منعکس نکرد. تجربه چند سال اخیر نشان داده است که صدا و سیما تنها هنگامی به سراغ یک خبر مهم و مورد توجه افکار عمومی می‌رود که قصد بهره‌برداری سیاسی و جناحی از آن را داشته باشد. آیا بهتر نبود سیما از شرکت‌کنندگان در این کنفرانس دعوت می‌کرد که در برنامه‌ای زنده به سؤالات و انتقادهای بینندگان پاسخ گویند؟ می‌توانستند درباره جزئیات حادثه از مسؤولان بنیاد هاینریش بل سؤال کنند، می‌توانستند نظر بسیاری از ایرانیان میهن‌دوست مقیم خارج که دل در گرو میهن دارند را بازتاب دهند، می‌توانستند گزارشی درباره سابقه حمله گروههای خشونت‌طلب و برانداز به مجامع و شخصیت‌های ایرانی در خارج تهیه و پخش کنند، می‌توانستند در کنار سؤال از رهگذران دستچین‌شده و گرفتن پاسخهای کلیشه‌ای به سراغ صاحب‌نظران مختلف و متفاوت را که «هیچ جامعه‌ای را از آن گریز نیست»، منعکس کنند، می‌توانستند... با رعایت اصول حرفه‌ای کار اطلاع‌رسانی و کنار گذاشتن دیدگاه تنگ جناحی، صدا و سیما می‌تواند اعتماد مردم را جلب کند. جوابیه‌نویس محترم روابط عمومی سازمان به این نکته توجه کند که دفاع از عملکرد صدا و سیما به صورت انتزاعی و فراواقعیتی میر نیست. اما از آنجا که دفاع از عملکرد این رسانه عظیم در چارچوب تئوریهای حاکم بر سازمان امکان‌پذیر نیست، چنین تناقضهایی رخ می‌نماید و مسؤولان دچار «دوگانه‌باوری» می‌شوند. «دوگانه‌باوری» یعنی نگه داشتن دو باور متناقض در ذهن، آن هم در آن واحد و پذیرفتن هر دوی آنها یعنی دروغ گفتن از روی عمد و در همان حال صمیمانه به آن باور داشتن، به فراموشی سپردن هر واقعه‌ای که دست و پاگیر شده است و در صورت نیاز بیرون کشیدن آن از وادی فراموشی، انکار کردن وجود واقعیت عینی و در احوال مناسب به حساب آوردن واقعیت انکارشده، به کار گرفتن منطق علیه منطق، نقض کردن اخلاق و در عین حال ایمان داشتن به آن...»^۱

۱. زندگی در عیش، مردان در خوشی، نیل یستم، انتشارات سروش، ۱۳۷۳.

برای مطالعه بیشتر

- انتقام از روزنامه‌نگاران^۱
 صفاء‌الدین تبرانیان: صدا و سیما و چالش با مردم^۲
 علیرضا خدادوست: ماهواره دیجیتال یا شبکه اول سیما^۳
 مهرداد محبتی: باز هم هدف وسیله را توجیه کرد!^۴
 سعید صادقی: نعل وارونه کوبیدن با میخهای راست^۵
 علیرضا گنجانی: مُرده متحرک^۶
 سیمای پارادوکس سیما^۷
 یاشار هوایی: توجیهات سیما و گفت‌وگوهای درگوشی مردم^۸
 محمدجواد روح: باروت‌های نم‌کشیده^۹

روزنامه فتح

کنفرانس برلین در سیما^{۱۰}
 بدانته اسلامی
 شامگاه سه‌شنبه سی‌ام، در میان ناباوری و بهت بینندگان سیمای جمهوری اسلامی، در اقدامی تأمل‌برانگیز و معنی‌دار، با بخش صحنه‌هایی از رفتارهای خشونت‌بار، توهین‌آمیز، غیر عقلانی و خلاف عفت عمومی گروهی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین، گامی جدید در نحوه اطلاع‌رسانی برداشت. با تأکید بر ضرورت و اهمیت نقد و بررسی کنفرانس مذکور و همچنین نحوه اطلاع‌رسانی و اهداف مترتب بر اقدامات در دست اجرا نکاتی را یادآوری می‌نمایم:

۱. اقدام سیمای جمهوری اسلامی در به‌تصویر کشیدن و ارائه چهره گروه‌های برانداز ساکن خارج از کشور قابل تقدیر است. گروه‌هایی که فاقد منطق، درک، قوه استدلال بوده و به‌دلیل فقدان معرفت و توان رویارویی در صحنه گفت‌وگو به‌برهم زدن جلسات، فریاد کشیدن، شعار مرگ سر دادن و اعمال زشت و سخیفی چون برهنه شدن در میان جمعیت اقدام کرده و بخوبی سست منطقی و مزدوری خود را در مقابل چشم همگان به‌نمایش گذاشتند. آن‌چنان‌که در صحنه‌های پخش‌شده ملاحظه شد، بخش عمده شرکت‌کنندگان، ناظر و معترض حرکت تخریبی این گروه بود و مشخص شد که گروه‌های برانداز فاقد پایگاه در خارج کشور بوده و به‌همین دلیل برای طرح خود و جلب توجه به‌بدترین و زشت‌ترین

- | | |
|--------------------|-------------------------|
| ۱. ۱۳۷۹/۱/۲۹، ص ۱. | ۲. ۱۳۷۹/۱/۲۹، ص ۲. |
| ۳. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۴. | ۴. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۳. |
| ۵. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۳. | ۶. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۴. |
| ۷. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱. | ۸. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲. |
| ۹. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۳. | ۱۰. فتح، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱. |

شیوه‌های ممکن دست زدند و مسؤولین صدا و سیما با سخاوتمندی تمام فرصت طرح مجدد را در اختیار آنها گذاشتند.

۲. ارائه و پخش صحنه رقص یک زن نیمه‌عریان، اگرچه بخشی از واقعیت بوده و با فرهنگ حاکم غرب سازگار است، لکن با فرهنگ دینی و رفتارهای اجتماعی ما سخت نامناسب و در تضاد است.

ساکنین غرب نمونه‌هایی به مراتب بدتر را به عنوان واقعیت‌های اجتماعی پذیرفته‌اند، ولی استفاده ایزاری و جهت‌دار و پخش صحنه‌هایی که سیما ارائه داد، از مصادیق بارز اتساع فحشاست. مسؤولین صدا و سیما باید به خاطر این اقدام خلاف اخلاق و عفت عمومی از مردم شهیدپروری که به خاطر تحقق آرمانهای اسلامی، از همه چیز خویش گذشته‌اند، عذرخواهی کنند.

۳. اینکه که سیما جمهوری اسلامی غیر اخلاقی‌ترین حوادث پیش‌آمده در کنفرانس برلین را در معرض افکار عمومی قرار داده و باعث جریحه‌دار شدن عواطف و احساسات مردم گردیده است، برای پخش مجموعه سخنرانیه‌ها و اظهارات مطرح‌شده در کنفرانس مشکلی وجود نخواهد داشت.

شایسته است، سیما مجموعه سخنرانیه‌ها و میزگردها و اظهارات ارائه‌شده را با برنامه‌ریزی منظم پخش نماید و در پایان هر جلسه علاوه بر دعوت از سخنرانان شرکت‌کننده در کنفرانس برلین از نمایندگان گروه‌های رسانه‌های مستقل و صاحب‌نظران سیاسی با گرایش مختلف به منظور بحث پیرامون مطالب ارائه‌شده در کنفرانس، بررسی نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های مطروحه دعوت به عمل آورد. این اقدام سبب خواهد شد تا ضمن شناسایی نقاط منفی و تأکید بر نقاط مثبت امکان بهره‌برداری مناسب از سمینارها و کنفرانس‌های خارج از کشور فراهم شود. مشارکت ایرانیان خارج از کشور و انتقال صحیح اطلاعات به آنان در ترسیم تصویری خوشایند و قابل قبول از جمهوری اسلامی راهگشاست.

۴. نگاه تک‌بعدی به حوادث و سیاه و سفید دیدن پدیده‌های اجتماعی دارای عوارض جدی است که بایستی به شدت از آن اجتناب ورزید.

در کنار طرح نقاط منفی باید مقولاتی چون اهمیت و درجه تأثیرگذاری ارتباط با ایرانیان خارج از کشور، تأثیر اظهارات سخنرانان داخلی بر مخاطبان ساکن غرب و چگونگی کاستن از دشمنیه‌ها و خنثی کردن نقش و اقدامات گروه‌های برانداز و منزوی کردن آنان حتی در میان ایرانیان خارج کشور بررسی شود و با ارائه هشدارها و تدوین برنامه‌ها تلاش شود از بار منفی این‌گونه نشسته‌ها کاسته و بر بار مثبت آنها افزوده شود.

۵. نکته قابل توجه آنکه براساس برخی اطلاعات دریافتی گروهی که با حرکات شرم‌آور و شعارهای ضد انقلابی به‌برهم زدن جلسات اقدام کردند، مشهور به کمونیستهای اسرائیلی هستند. این امر نشان‌دهنده آن است که در ارائه چهره نامطلوب از جمهوری اسلامی، اسرائیل نقشی غیر قابل انکار دارد و از هر امری که به تغییر دیدگاه کشورها و مردم جهان نسبت به ایران و برداشت مثبت از تحولات کشور منجر شود، به شدت نگران است.

از همین‌رو ضروری است به بررسی نقش سرویسهای جاسوسی در اجیر کردن عناصر خودفروخته که با برهنه شدن در سالن اجتماعات سعی در انحراف افکار عمومی کردند، پرداخته شود.

بعضی از کشورهای دیگر نیز که از عدم تعادل در روابط خارجی ایران به منافع سرشار اقتصادی دست پیدا کرده‌اند، در بروز بحرانها فعال بوده و نباید از بررسی کارنامه آنها غفلت شود.

۶. اعمال زشت و غیر انسانی گروهی اندک نباید سبب شود حلقه ارتباط با خیل عظیم ایرانیان خارج از کشور گسسته شود. واقعیت این است که بخش عمده هموطنان ما در سایر ممالک دارای صلاحیتهای علمی و اخلاقی و توانمندیهای فراوانی هستند و در تحولات علمی دنیا نقش برجسته و غیر قابل انکاری دارند.

بهره‌گیری از توان آنها در زمینه‌های مختلف علمی-اقتصادی برای رشد و شکوفایی و آینده بهتر برای ایران اسلامی ضروری است.

احترام و تکریم این هموطنان به تحکیم وحدت ملی و تقویت امنیت ملی منجر خواهد شد.

۷. در پایان پیشنهاد می‌شود، شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین با دعوت از مردم و رسانه‌های جمعی در یکی از مکانهای عمومی درباره دلایل شرکت در کنفرانس یادشده، ماهیت اهداف برگزارکنندگان، علایق و وابستگی شرکت‌کنندگان، موضوعات مورد بحث، حوادث پیش‌آمده، نقاط مثبت و منفی و ارزیابی خود از نتایج کنفرانس به پاسخگویی به سؤالات خبرنگاران و مردم بپردازند و رسانه‌های جمعی از جمله صدا و سیما با بخش کامل این اجتماع و اظهارات و سؤالات و پاسخهای مختلف گامی در جهت تنویر افکار عمومی بردارند.

برای مطالعه بیشتر

- شنیده‌های فتح از عوامل برهم‌زننده همایش برلین^۱
 تجمع اعتراض‌آمیز نسبت به کنفرانس برلین^۲
 بخش صحنه‌های خلاف عفت عمومی از سیما^۳
 انزجار ملی از بخش صحنه‌های خلاف عفت عمومی در سیما^۴
 فرهاد بهبهانی: آنها با اصلاحات مخالف‌اند.^۵
 علی محمد نجاتی: از میو نوژ بلژیکی تا قاضی بلژیکی و کنفرانس برلین^۶
 مهران کرمی: حراج دینی در سیمای لاریجانی^۷
 محمود فاضلی بیرجندی: جمهوری اسلامی ایران، جابجا شدن نهادها و نماینده‌ها^۸
 بنفشه سام‌گیس: کنفرانس برلین، بهانه‌ای برای نوشتن^۹
 احمد غلامی: ما قوم تنهایی سکوت و صبریم.^{۱۰}
 یک حرکت ضد اخلاقی و یک بحران تمام‌عیار در ایران؟!^{۱۱}
 محسن مین دوست: کنفرانس برلین و... ۲ خواست از صدا و سیما^{۱۲}
 محمود فاضلی بیرجندی: کنفرانس برلین و اهانت به جمهوری اسلامی^{۱۳}
 اردشیر رستمی: گریبان خویش را بگیریم.^{۱۴}

روزنامه انتخاب

کنفرانس برلین و طبقه‌بندی شرکت‌کنندگان!^{۱۵}
 اکبر نبوی
 روز گذشته به‌همزادی شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین با جریان «شبه‌روشنفکری» اشاره کردم. اما آن اشاره به‌این معنا نیست که همه شرکت‌کننده‌ها را در یک طبقه‌بندی فکری، سیاسی و شخصی ارزیابی می‌کنم. از دید من، طیفی که در این کنفرانس شرکت داشت، بعضاً از تعارضهای ماهوی با یکدیگر برخوردار است و شاید یکی از شگفتیهای این کنفرانس، گرد هم آمدن اندیشه‌های معارضی است که در صورت لزوم علیه هم، موضع خصم می‌گیرند.

- | | |
|-----------------------------------|--------------------|
| ۱. ۱۳۷۹/۱/۲۲، ص ۳. | ۲. ۱۳۷۹/۱/۳۱، ص ۲. |
| ۳. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۴. | ۴. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۴. |
| ۵. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۷. | ۶. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۳. |
| ۷. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۴. | ۸. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۳. |
| ۹. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۴. | ۱۰. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۲. |
| ۱۱. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۳. | ۱۲. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۳. |
| ۱۳. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۲. | ۱۴. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۴. |
| ۱۵. انتخاب، ش ۲۹۹، ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۲. | |

رویکرد عمده این یادداشت، اشاره به چهار نفر از ایرانیان شرکت‌کننده در آن کنفرانس است: الف. مهندس عزت‌الله سبحانی: درباره آقای سبحانی یادداشت دوست نادیده‌ام، آقای ابراهیم زاهدی مطلق، مرا از یاره‌ای توضیحات معاف کرده است، چرا که استخوان‌بندی نوشتار ایشان، با رأی و انگاره‌های من درباره آقای سبحانی نزدیک است. فقط لازم است اشاره کنم که به نظر می‌رسد آقای سبحانی تا پیش از آشنایی با عناصری چون رضا علیخانی (که عنصری بسیار افراطی است) هم‌اره می‌کوشید بر مشی آرام خود استوار بماند و از خام‌پنداریهایی که حتی گریبان سیاستمداران کهنسال و کهنه‌کار را نیز می‌گیرد، دوری جوید. نام مهندس سبحانی همواره برای من به‌همراه آورنده خاطره شیرین مباحثه‌ای است که در مرداد ۱۳۶۷ با پدر بزرگوار ایشان داشتم. ضمن آن‌که خواندن آثار مهندس سبحانی (بویژه کتاب نگاهی به جنبش ملی ایران) هم برایم خاطره‌انگیز بوده است. در مرداد ۱۳۶۷ فرصتی فراهم شد تا صاحب این سطور با مرحوم مهندس بازرگان، دکتر یدالله سبحانی و دکتر ابراهیم یزدی در یک نشست مطبوعاتی سخن بگویم. نشستی که پایان آن به گفت و شنود بنده با دکتر یدالله سبحانی تبدیل شد. او مرا نوه خود خطاب کرد و من با پذیرش پدربزرگی ایشان، ایرادها و اشکالاتم را بر مواضع سیاسی حضرت ایشان و دوستانشان در نهضت آزادی همراه با احترام بیان کردم. البته بیشتر از آن، بویژه در سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰، هم در دفتر نهضت آزادی و هم در دفتر هماهنگی بنی‌صدر (هر دو در خیابان مطهری)، در نشستهای سیاسی این دو تشکیلات شرکت می‌کردم و بسان جوینده‌ای تشنه از جاده کرج به تهران می‌آمدم، نشریه و جزوه می‌خریدم و همه آنها را با ولع می‌خواندم. در همان سالها مواضع سیاسی مهندس سبحانی بروشنی هرچه تمامتر، او را از همگنانش متمایز می‌کرد و شخصیتی متین و متعادل در ذهن نوجوان هفده‌ساله‌ای چون من ترسیم می‌کرد. اکنون هم که این سطور را قلمی می‌کنم، بیشتر دوست دارم آقای سبحانی را در همان هیبت ببینم. کمالین که همان چندجمله‌ای که از ایشان در کنفرانس شنیدم و خواندم، نشان می‌دهد که آقای عزت‌الله سبحانی (علی‌رغم سخنان تند که بعضاً بر زبان می‌راند و مجله افراطی که به نام ایشان منتشر می‌شود) می‌کوشد، مشی و روش درآمیخته با اعتدال خود را حفظ کند.

ب. محمود دولت‌آبادی: دولت‌آبادی را بی‌گمان باید در زمره یکی از تواناترین نویسندگان حوزه ادبیات داستانی ایران به‌شمار آورد. او گرچه براساس شنیده‌هایم، خود را «شولوخوف ایران» می‌داند، حتی اگر به‌پایه این نویسنده نامدار روس هم نرسد، جایگاه محکمی در ادبیات ایران دارد. اما دولت‌آبادی نویسنده (فارغ از جهانی که در قصه‌هایش خلق می‌کند) با دولت‌آبادی سیاسی، با هم تفاوت دارند. دولت‌آبادی به‌اعتبار جهان‌نگری خویش، هیچ نقطه

آشتی میان خود و جمهوری اسلامی پیدا نمی‌کند و به همین خاطر، چندان در لجajت سیاسی خود غرق است که حتی حاضر نشده دین خود را به سیاوشهای پاک ایران زمین که در عرصه دفع تجاوز حزب بعث به میهن عزیز، جان خود را نثار کردند و سمندروار در آتش کین دشمنان ایران و ایرانی سوختند، ادا کند. او در این سالها، جز به گوشه عافیت خود و طعن علیه حکومت ملت فکر نکرده و هرازگاه که موقعیت ایجاب کرده، در چهره یک مخالف روشنفکر، به مهمترین دستاورد مبارزاتی مردم نجیب ایران تاخته است.

ج. حسن یوسفی اشکوری: وی که از شأن و منزلت و دانایی روحانیت، تنها لباس آنرا به همراه دارد، روحانی کم‌سوادی است که سالهاست در حوزه تفکر معتقدان به سکولاریسم دست و پا می‌زند و بدون آن که از خود حرفی برای گفتن داشته باشد، بازگوکننده اندیشه و سخن دیگران است و می‌پندارد با گرفتن ژست روشنفکری و آزادخواهی، می‌تواند فضلی (ولو عارضی) کسب کند. یوسفی اشکوری در واقع عنصری است که محافل سکولار، صرفاً از او استفاده ابزاری می‌کنند و در مبارزه علیه اندیشه‌ها و آرمانهای دینی مردم، از لباس او بهره می‌برند. زندگی مسالمت‌آمیز اشکوری با دهلیزهای سکولاریسم وطنی، تداعی‌کننده زندگی مشترک مهدی روحانی است که با فاسدترین عناصر خارج‌نشین هم‌پاله و به عنوان مرجع عالیقدر شیعه معرفی می‌شد و نیز یادآورنده پیوند عاشقانه جلال گنجهای با سازمان تروریستی منافقین!

د. اکبر گنجی: گنجی برآستی در میان نورستگان غوغا سالاری، پدیده قابل مطالعه‌ای است. او «دن‌کیشوت» وار سوار بر مرکب ناتوان و رنجور خویش، آبکشی از ته مانده اندیشه دیگران را به مثابه سیر خود برگزیده است. فرق گنجی با دن‌کیشوت در این است که دن‌کیشوت اسیر وهم و پندار خام و کودکانه خود بود، ولی گنجی هم اسیر چنگال خودبزرگ‌بینی و کیش شخصیتی فزاینده خود است و هم ابزار افراد و باندهای مافیایی است که در زمینه استفاده از افرادی چون گنجی، مهارتی بی‌بدیل دارند. من در سال ۱۳۶۴ با گنجی آشنا شدم. در آن سالها و به اقتضای شرایط انقلاب، او یکی از افرادی بود که هیچ اندیشه مخالفی را بر نمی‌تافت و به اعتبار جایگاه و منزلت خاص حضرت امام (ره)، کسانی را که اندیشه متفاوتی با او و همفکرانش داشتند، به ضدیت با امام معرفی می‌کرد و بدین وسیله می‌کوشید، چهره آنها را مخدوش کند. در واقع، گنجی سال ۱۳۷۹ با گنجی سال ۱۳۶۴ به لحاظ ماهوی تفاوت نکرده است. در آن سال او در زمره افراطیونی از جنس مهدی هاشمی بود (منظورم این نیست که در باند مهدی هاشمی عضویت داشت) و اکنون با یکصد و هشتاد درجه تغییر در مواضع به یک عنصر افراطی و مبلغ اندیشه سکولار تبدیل شده است.

کسانی چون گنجی همچون آن فیلمسازی هستند که در سالهای نخست شکل‌گیری حوزه هنری، تابلوهای نقاشی غیر مرتبط با «جنگ»، «شهیدان» و «امام» را پاره می‌کرد و یا بر روی آن رنگ می‌پاشید، (با این توجیه که نقاشی فقط باید در این سه حوزه باشد وگرنه عمل بیهوده و لغوی است) خود را طلایه‌دار هنر دینی می‌دانست و اگر خانم محترمی با پوشش مانتو به حوزه وارد می‌شد، فریاد می‌آورد که چه کسی اینها را به حوزه راه می‌دهد، الآن عذاب خدا نازل می‌شود و... و اکنون با ژست آزادیخواهی بر خشونت‌ی که خود و عناصری چون او پایه‌گذارش بوده‌اند و جامعه را به یکی از خشن‌ترین ادبیات سیاسی که ریشه در شیوه‌های حکومتی استالین دارد، آلوده‌اند، می‌شود. ولی با همان ادبیات، او و دوستانش تا دیروز با آن ادبیات، از دین و انقلاب دفاع می‌کردند و اکنون با همان ادبیات از دموکراسی، گنجی وقتی از عدم اجتماع انقلاب و دموکراسی سخن می‌گوید، من براحته حرفش را تصدیق می‌کنم، چرا که تعریف انقلاب و انقلابیگری نزد کسانی چون اکبر گنجی «خشونت»، برخورد‌های تند اجتماعی، حمله به جوانان معصوم به جرم پوشیدن لباسی خاص و یا بلند کردن مو (مدل پانک)، «عدم تحمل اندیشه مخالف»، «تعمیم و تعمیق روحیه فاشیستی و استالینیستی» و... است. به همین خاطر از آنجا که او درک درستی از انقلاب و امام نداشته و ندارد و در سالهای آغازین انقلاب، برخلاف خواست امام و بزرگانی چون رهبر معظم انقلاب، خشونت اجتماعی و حذف را مترادف با انقلاب قلمداد می‌کرد، طبیعی است که میان انقلاب و «مردم‌سالاری» ستیزی آشتی‌ناپذیر ببیند و در برابر دشمنان مردم و آزادی آن‌چنان سخن بگوید. (اگر خدای بزرگ یاری کند، در آینده نزدیک درباره پایه‌گذاران و مروجان خشونت اجتماعی به تفصیل خواهم نوشت).

برای مطالعه بیشتر

- روزنامه جمهوری اسلامی: انتقاد از کنفرانس برلین^۱
 بیانیه سپاه یا کنفرانس برلین: دوستان! گذرگاه اصلاحات چیست؟^۲
 حمیدرضا مینایی: سخنی با سرزمینم^۳
 اکبر نبوی: شهادی بر یک بیماری تاریخی!^۴
 مسافران برلین در سینما^۵
 ادامه آرامش: جوابیه دادید، اما با کدام شأن؟^۶
 محمد حسن حقیقی: کنفرانس برلین و شهدا، دکتر بهشتی و باهنر^۷

۱. ۱۳۷۹/۱/۲۵، ص ۲.

۲. ۱۳۷۹/۱/۲۵، ص ۲.

۳. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۳.

۴. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲.

۵. ۱۳۷۹/۲/۷، ص ۲.

۶. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۱۰.

۷. ۱۳۷۹/۲/۱۱، ص ۲.

روزنامه عصر آزادگان

از سوی مخالفان جمهوری اسلامی: سمینار ایران بعد از انتخابات در آلمان به خشونت کشیده شد.^۱

احتمال بازداشت روزنامه‌نگاران شرکت‌کننده در سمینار آلمان^۲
امیرحسن ابراهیمی: عالیجنابی که می‌خواهد عالیجناب باقی بماند.^۳
سید ابراهیم نبوی: اهداف کنفرانس برلین^۴

محسن حیدریان: بازخوانی رفتار گروه‌های افراطی خارج از کشور^۵
احمد زیدآبادی: اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید!^۶
لاریجانی در بن‌بست^۷

سید ابراهیم نبوی: هدف، وسیله، کنفرانس برلین^۸

مهدی عباسی‌راد: هتاکان و حرمت‌شکنان^۹

مردم: صدا و سیما حرمت محرم را شکست.^{۱۰}

صدا و سیما جواب نداد.^{۱۱}

آنچه سیما نشان داد، آنچه سیما نشان نداد^{۱۲}

بدآموزی سیما^{۱۳}

محمد قوچانی: برادران لاریجانی^{۱۴}

لطیف صفری: بخش فیلم کنفرانس برلین توجیه‌ناپذیر است.^{۱۵}

مهرداد مولایی: کنفرانس برلین و مطبوعات آلمان^{۱۶}

عمادالدین باقی: اصلاح‌طلبان شرکت‌کننده در کنفرانس برلین به‌زبان نیروهای برانداز سخن گفتند.^{۱۷}

سید مرتضی مردیها: درباره بیانیه جامعه مدرسین^{۱۸}

سخنان امیدبخش^{۱۹}

سید ابراهیم نبوی: و باز هم، کنفرانس رسوا و تنگین برلین^{۲۰}

- | | |
|---------------------|---------------------|
| ۱. ۱۳۷۹/۱/۲۱، ص ۲. | ۲. ۱۳۷۹/۱/۲۴، ص ۹. |
| ۳. ۱۳۷۹/۱/۲۵، ص ۸. | ۴. ۱۳۷۹/۱/۲۸، ص ۳. |
| ۵. ۱۳۷۹/۱/۳۰، ص ۵. | ۶. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱۷. |
| ۷. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱. | ۸. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۳. |
| ۹. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱۷. | ۱۰. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۴. |
| ۱۱. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۴. | ۱۲. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱۹. |
| ۱۳. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۱۱. | ۱۴. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۹. |
| ۱۵. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۱۱. | ۱۶. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۹. |
| ۱۷. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۳. | ۱۸. ۱۳۷۹/۱/۲۰، ص ۱. |
| ۱۹. ۱۳۷۹/۲/۲، ص ۱. | ۲۰. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۳. |

روزنامه مشارکت

صدا و سیما علیه وحدت و امنیت ملی^۱
 اعلام انزجار مردمی شهرهای مختلف کشور از برنامه موهن سیما^۲
 محمد ابراهیم انصاری لاری: پیرامون اقدام صدا و سیما^۳
 آموزه‌هایی از ماجرای کنفرانس برلین^۴
 علی اصغر سیدآبادی: تبلیغات گویبندی زیر پوشش اطلاع‌رسانی^۵
 فرناز لویزه: جبهه علی و الگوی عدد و عامی^۶
 یک حادثه، سه فرصت^۷
 عمادالدین باقی: نمایش فیلم کنفرانس برلین با حمایت قبلی همراه بود^۸
 اتاق شیشه‌ای بحران‌سازی^۹
 شیوا خلیلی: بینندگان بی‌صفا^{۱۰}
 ۶۰ درصد شهروندان تهرانی رئیس سازمان صدا و سیما را مسؤول بخش برنامه کنفرانس برلین می‌دانند^{۱۱}
 امید سیدینی: کالبدشکافی یک جریان^{۱۲}
 پرده حیا^{۱۳}

روزبه کابلی: بخش کنفرانس برلین؛ یک تیر و چند نشان؟!^{۱۴}
 سید حسین سراج‌زاده: کنفرانس برلین در چهار پرده^{۱۵}

روزنامه هم‌میهن

روزنامه‌نگاران می‌گویند: صدا و سیما به‌ابدال رسیده است^{۱۶}
 مردم درباره بخش گزینش شده فیلم کنفرانس برلین در تلویزیون می‌گویند، صدا و سیما بحران‌سازی می‌کند^{۱۷}
 کارشناسان موافق و مخالف از اقدام صدا و سیما می‌گویند^{۱۸}
 عمادالدین باقی: شانزده ساعت برنامه را به‌نیم ساعت تبدیل کردند^{۱۹}

۲. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۹.

۴. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۱۲.

۶. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۴.

۸. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۲.

۱۰. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۶.

۱۲. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۴.

۱۴. ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۶.

۱۶. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۹.

۱۸. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۳.

۱. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱.

۳. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۳.

۵. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۳.

۷. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۲.

۹. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۱.

۱۱. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۹.

۱۳. ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۴.

۱۵. ۱۳۷۹/۲/۷، ص ۴.

۱۷. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۹.

۱۹. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۲.

مرتضی اکبری: این موج نیز خواهد گذشت.^۱
 نیما نامداری: با میزبانان ایوژیسیون^۲
 نگاهی حقوقی به احضار و بازجویی شرکت کنندگان کنفرانس برلین: اقدام علیه امنیت ملی
 چیست؟^۳

روزنامه جوان

شهاب خاکسار: آقای خاتمی! این رسوایان، خود را حامی شما می دانند.^۴
 مهدی فضایی: آقای خاتمی! مردم منتظر موضعگیری شما هستند.^۵
 محمدباقر تقوی: کنفرانس برلین و چند سؤال^۶
 بهنام نداف: کنفرانس برلین و واقعتهای پنهان^۷
 جواد اسلامی: فرافکنی بی حاصل یک بحران^۸
 امیر خلیلی: سخنی با اشکوری^۹
 رضا صداقت: سخنی با آقای امین زاده، معاون وزیر امور خارجه^{۱۰}
 تلاش بیهوده^{۱۱}

روزنامه بیان

امین کریم الدین: جوانی از کنفرانس برلین^{۱۲}
 در پی بخش فیلم کنفرانس برلین: موج انزجار از سیاستهای صدا و سیما سراسر کشور را فرا
 گرفت.^{۱۳}
 ع. ناصری: منافقین در سیمای لاریجانی رقصیدند.^{۱۴}
 علی نادعلی: کنفرانس برلین به سود چه کسانی تمام می شود؟!^{۱۵}
 منصور حسینی: در سیمای لاریجانی «جراغ» دوم کلید خورد.^{۱۶}
 م. خسروی: سیمای لاریجانی عریان شد!^{۱۷}
 انزجار عمومی از اقدام صدا و سیما^{۱۸}

- | | |
|---------------------|---------------------|
| ۱. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۳. | ۲. ۱۳۷۹/۲/۷، ص ۳. |
| ۳. ۱۳۷۹/۲/۱۴، ص ۹. | ۴. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲. |
| ۵. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱. | ۶. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۳. |
| ۷. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۳. | ۸. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۲. |
| ۹. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۲. | ۱۰. ۱۳۷۹/۲/۷، ص ۱. |
| ۱۱. ۱۳۷۹/۲/۱۳، ص ۱. | ۱۲. ۱۳۷۹/۱/۲۹، ص ۲. |
| ۱۳. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۹. | ۱۴. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲. |
| ۱۵. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲. | ۱۶. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۳. |
| ۱۷. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲. | ۱۸. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۹. |

- کیومرث اشتریان: مغالطه تصویری به تکرر تئوریک اصلاحات و بحران سیاسی^۱ .
 سلب اعتمادی عمومی از رسانه ملی^۲
 تهدیدات و زمینه‌های آسیب‌پذیری گفتمان اصلاحات^۳
 جعفر گلابی: کنترل از راه دور برای مقابله با اصلاحات^۴
 فرهاد سه‌تلافی: نمایش کنفرانس برلین در سیما
 تغییر در تاکتیک یا استراتژی^۵

روزنامه صبح امروز

- بلوغ دروغ!!^۶
 خسرو ناقد: شعبده‌بازی تازه^۷
 آرش آرنگ‌داد: پروژه برلین و طراحان بحران^۸
 نگرانیهای رهبری^۹
 بیژن فهیمی: کنفرانس برلین پیروزی معنوی اصلاح‌طلبان^{۱۰}
 شادی صدر: بازداشتش کردند!^{۱۱}
 برلین باتلاق که بود؟
 باز هم نقطه تلاقی!^{۱۲}
 داوود معمری: جام جناح‌نما و کیهان^{۱۳}
 حسین باستانی: تأملاتی بر «پروژه برلین»^{۱۴}
 پروژه برلین^{۱۵}
 بابک خدادادی: قوة قضائیه و کنفرانس برلین^{۱۶}
 نیلوفر جعفری: کیان و وحدت و امنیت ملی^{۱۷}
 باز هم نقطه تلاقی، این بار در آسمان قسمت دوم: چه کسی دفاع می‌کند.^{۱۸}
 الف. سهام‌الدین: افزایش ریسکهای سیاسی مساوی است با بالا رفتن هزینه‌های اقتصادی کشور^{۱۹}

- | | |
|---------------------|---------------------|
| ۱. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۳. | ۲. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۹. |
| ۳. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۳. | ۴. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۲. |
| ۵. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۲. | ۶. ۱۳۷۹/۱/۲۸، ص ۱. |
| ۷. ۱۳۷۹/۱/۲۹، ص ۱۲. | ۸. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۳. |
| ۹. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۱. | ۱۰. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۲. |
| ۱۱. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۱۲. | ۱۲. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۵. |
| ۱۳. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۳. | ۱۴. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۲۰. |
| ۱۵. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۵. | ۱۶. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۱۹. |
| ۱۷. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۲. | ۱۸. ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۵. |
| ۱۹. ۱۳۷۹/۲/۷، ص ۱۶. | |

سعید رضوی فقیه: میوه ممنوع آگاهی^۱
این همه غوغا برای چیست؟^۲

روزنامه اطلاعات

ابوالقاسم قاسم زاده^۳

بحران دیگر!!^۴

همه برای امنیت، آرامش و همدلی^۵

پاسخ صدا و سیما به مقاله بحران دیگر

سید مهدی موسوی: نقدی بر کنفرانس «ایران پس از انتخابات مجلس ششم» در برلین^۶

دکتر سید علی میرعمادی: از جوانان ورزشکار تا شرکت کنندگان در کنفرانس برلین^۷

غلامعلی رجایی: کنفرانس برلین از چند نگاه متفاوت^۸

روزنامه آفتاب امروز

پشت پرده توطئه برلین و نفوذیهای مخالف دولت^۹

رضا انصاری راد: پشت پرده حمله به شرکت کنندگان کنفرانس^{۱۰}

عذرا فراهانی: اندر حکایت یک اطلاع رسانی شفاف و بهنگام^{۱۱}

هدف تلویزیون تخریب اصلاح طلبان بود.^{۱۲}

روزنامه همشهری

صدا و سیما دنبال چیست؟^{۱۳}

تعریف حقیقت^{۱۴}

پاسخ صدا و سیما^{۱۵}

روزنامه ایران

محمد آقازاده: حرمت شرم شرقی در سیمای ایران شکست.^{۱۶}

- | | |
|---------------------|--------------------|
| ۱. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۲. | ۲. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۱. |
| ۳. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲. | ۴. ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۲. |
| ۵. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۲. | ۶. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۱۲. |
| ۷. ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۶. | ۸. ۱۳۷۹/۲/۱۱، ص ۶. |
| ۹. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۲. | ۱۰. ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۳. |
| ۱۱. ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۱۰. | ۱۲. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۹. |
| ۱۳. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱۴. | ۱۴. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲. |
| ۱۵. ۱۳۷۹/۲/۱۳، ص ۳. | ۱۶. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۳. |

مسعود خیام: کنفرانس برلین و گم شدن زیان^۱
 رامین عزیزاده: ... واقعیت را دریابیم.^۲
 صدا و سیما مونتاژ فیلم کنفرانس برلین را تأیید کرد.^۳
 نمی‌خواهند این مملکت سامان بگیرد.^۴

روزنامه بامداد نو

رضا جلالی: فیلمنامه برلین را چه کسی برای سیما نوشت؟!^۵
 مسعود فقیه: این همه «موقوله» برای چیست؟!^۶
 بازتاب کودتای تصویری علیه اصلاحات^۷
 جهانگیر صالحیان: صدا و سیما، دانشگاهی منحصر به فرد^۸

۱. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲.

۲. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۳.

۳. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۳.

۴. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲.

۱. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۳.

۲. ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۴.

۳. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۸.

۴. ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱.

« پیوست ۶ »

واکنش شورای نظارت بر صدا و سیما

سید طه هاشمی رئیس شورای نظارت صدا و سیما بخش تصاویر کنفرانس برلین را از سیما غیر قابل توجیه دانست^۱

سید طه هاشمی بخش برخی تصاویر کنفرانس برلین از سیما را غیر قابل توجیه دانست و تأکید کرد: پس از بازبینی و بررسی کارشناسانه فیلم کامل کنفرانس برلین، نتیجه به اطلاع عموم مردم خواهد رسید.

اعضای دبیرخانه این شورا پس از مشاهده نسخه سه ساعته فیلم کنفرانس برلین اعلام کرده‌اند که اتری از مونتاژ ندیده‌اند، ولی من تأکید کرده‌ام نسخه کامل، یعنی ۱۶ ساعته فیلم را تهیه کنند تا براساس آن اظهار نظر کنیم.

وی گفت شورای نظارت بر صدا و سیما موظف است ایشکالاتی که در برنامه‌های صدا و سیما وجود دارد را بررسی کند و پس از انجام کار کارشناسی به رؤسای سه قوه و مقام معظم رهبری و رئیس سازمان صدا و سیما منعکس سازد.

دوربینهای متعددی در سالن کنفرانس، جریان این کنفرانس را ضبط کرده‌اند و امکان دسترسی به نسخه کامل این فیلم وجود دارد.

متأسفانه برنامه‌های فرهنگی، ملعبه سیاسی کاری شده است. کارهای فرهنگی توسط جریانهای سیاسی مخدوش شده است. باید پیش از این و فراتر از اینها به امور فرهنگی بنگریم.

وی بخش برخی تصاویر را از صدا و سیما قابل توجیه و تحمل ندانست ولی افزود: استفاده ابزاری از ارزشها به همان اندازه خطرناک است که استفاده ابزاری از آزادی و اصلاح طلبی.

اصل کار، بد بود. صفحه سیمای برای دقایقی به صحنه رقص و نیز عریان شدن یک مردم تبدیل شد که این امر به هیچ وجه قابل توجیه نیست. فکر نمی‌کنم هیچ‌یک از متدینین و مراجع ما و حتی خود آقای لاریجانی این کار را مشروع بدانند.

وی در ارزیابی کنفرانس برلین گفت: ما در تحلیل‌هایمان، قضایای اصلی را رها کرده‌ایم و به حواشی می‌پردازیم. اکنون جریانهای سیاسی در کشور به‌جان هم افتاده‌اند و صهیونیستها خوشحالند.

وی به فضای آشفته و متشنج کنونی اشاره کرد و افزود: تمامی جناحها ناراحتند، هیچ‌کس از این وضع راضی نیست. اگر هم کسی از این وضعیت خوشحال باشد، باید در اعتقادات و حسن نیتش شک کرد.

هاشمی خواستار یافتن بانی این جلسه و کنفرانس شد و گفت: آنها چه آسان توانستند با یک صحنه‌سازی، کل کشور را دچار بحران کنند.

معلوم نیست اگر دو نمونه دیگر از این اتفاق بیفتد، چه بر سر کشور خواهد آمد.

هنگامی که از افرادی برای شرکت در یک کنفرانس دعوت می‌شود و قرار است آنها مقالاتی را مطرح کنند، ولو این که مدعوین هیچ سمت رسمی نداشته باشند، ولی به عنوان جریانی که پرچمدار یک تفکر در جامعه است و چند روز دیگر بانی این تفکر قصد سفر به آن کشور را دارد، باید حرمت دعوت‌کنندگان و نیز ایران را نگاه می‌داشتند.

وی این سؤال را مطرح کرد که بانیان اجلاس برلین چگونه اجازه دادند یک مشت آدمهای بی‌هویت، چنین حرکات مضحکی را انجام دهند، گفت: این کار، احساسات مردم ایران را جریحه‌دار کرده است. بانیان کنفرانس برلین باید از ملت ایران عذرخواهی کنند.

شاید آنها خیال می‌کردند که می‌توانند با دعوت از اصلاح‌طلبان، صحنه را طوری طراحی کنند که بگویند «اصلاح‌طلبان ایران»، توبه‌نامه انقلاب اسلامی را قرائت کرده‌اند، ولی برخی از مدعوین با سخنان مثبت و متین خود، بانیان کنفرانس برلین را وادار به شکست کردند و البته بعضی هم بسیار غیر منطقی سخن گفتند و در حضور بسیگانگان حرمت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را نگاه نداشتند و سخنانی می‌گفتند که به هیچ وجه قابل توجیه نیست.

محسن امین‌زاده نماینده قوه مجریه در شورای نظارت بر صدا و سیما

صدا و سیما بر طبل خشونت می‌کوبد^۱

نماینده قوه مجریه در شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما، اقدام این رسانه در بخش

۱. هم‌میهن، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲.

گزارش گزینش شده سمینار ایران بعد از انتخابات در برلین را اشاعه بی‌بند و باری و حرمت‌شکنی نسبت به مقدسات توصیف کرد.

وی گفت: لازم می‌دانم تأسف عمیق خودم را از پخش فیلم گزینش شده برنامه سخنرانی در برلین ابراز کنم. این تأسف به چند دلیل است:

اولاً، در نهایت تأسف این برنامه در ایام محرم و شبهای عزاداری اباعبدالله الحسین (ع) و در شرایطی که فضای جامعه سوگوار و معنوی است پخش شد و نمایش آن احساسات و عواطف مردم شریف و عزاداران حسینی را جریحه‌دار کرد.

برنامه‌ای که بیش از هر چیزی می‌توان آن را در جهت اشاعه بی‌بند و باری و حرمت‌شکنی نسبت به مقدسات و ارزشها و نظام اسلامی تلقی کرد.

عده‌ای با تصمیم شخصی برای شرکت در یک برنامه سخنرانی به سفر رفته‌اند، این که به چه علت و انگیزه‌ای در آن سمینار شرکت کردند و در آن چه گفته‌اند، موضوعی است که باید خودشان پاسخ دهند. اما چیزی که برای ما مهم است، اقدام صدا و سیما در پخش گزینشی برنامه است.

پخش سراسری چنین حرمت‌شکنی توسط عناصر دشمن و منافق، خود نوعی حرمت‌شکنی است و شایسته هیچ نهاد و یا رسانه طرفدار جمهوری اسلامی نیست، چه رسد به رسانه‌ای که رسانه ملی و رسمی نظام جمهوری اسلامی است.

نمایش بی‌بند و باری، برهنگی و رفتار زننده‌ای که از عده‌ای عناصر ضد انقلاب و ضد ارزشهای اسلامی سر زده با هیچ معیار و ملاکی قابل تعریف و توجیه نیست. نکته‌ای که تأسف‌انگیز است، پخش این برنامه پس از سخنان مهم مقام معظم رهبری پیرامون وحدت و امنیت ملی است.

تا آنجا که به خاطر دارم هر گاه ضد انقلاب علیه هر یک از نیروهای جامعه ما عمل کرده است همه یکپارچه در مقابل دشمن و ضد انقلاب واکنش نشان داده‌اند و از دلایل مهم شکست دشمنان این بوده که هر جنایتش منجر به اتحاد و همبستگی بیشتر مردم در مقابل جنایتکاران شده است.

در این برنامه نیز عده‌ای ضد انقلاب به سخنرانان، به عنوان عوامل و حامیان جمهوری اسلامی حمله کرده‌اند و علیه نظام و مقدسات جمهوری اسلامی شعار داده‌اند.

این خود چیز جدیدی نیست و در همه سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هر گاه سفری برای افراد سرشناس یا دست‌کم افراد مرتبط به نظام جمهوری اسلامی به خارج ایران پیش آمده، ضد انقلاب سعی در تخریب سفر و استفاده از آن به نفع خود و علیه جمهوری اسلامی کرده است.

مشابه واقعه برنامه پخش شده بارها به وقوع پیوسته که معمولاً با تدبیر و انسجامی که در مقابل این رفتار ضد انقلابی صورت گرفته توطئه‌ها خنثی شده است، اما این بار صدا و سیما آن را عمده کرد و ظاهراً با هدف بهره‌برداری جناحی به ضد انقلاب فرصت داده تا از رسانه ملی برای نمایشی مستهجن و ارزش‌شکن خود استفاده کند.

ما در صدد نقد برنامه صدا و سیما هستیم، که مشخص نیست علیه ضد انقلاب رفتار می‌کند یا از رفتار ضد انقلاب برای رویارویی جناحی در داخل کشور بهره‌برداری می‌کند. در واقع این جنگی روانی علیه وحدت و امنیت ملی است.

متأسفانه صدا و سیما در این زمینه، سابقه رفتار مشابهی نیز دارد و به گونه‌ای متهم است. در دوران انتخابات ریاست جمهوری فیلمی تحت عنوان «عصر عاشورا» ساخته شد که اتفاقاً شباهت زیادی با برنامه پخش شده اخیر داشت. سازندگان فیلم جعلی «عصر عاشورا» بنا داشتند با تحریک احساسات عزاداران حسینی در ایام محرم کاری سیاسی بکنند و رقبای خود را به رفتاری ناهنجار در ایام عزاداری متهم کنند.

متأسفانه متهمان این پرونده در سازمان صدا و سیما بود که در جهت ایجاد تفرقه، تشویق خشونت و شکستن وحدت در میان اقشار مردم و منحرف کردن اذهان نسبت به مسیر درست پیگیری پرونده با گرایشها و تمایلات سیاسی و جناحی صورت گرفت. با چنین سابقه‌ای می‌توان نگرانیهای مطرح شده در رابطه با صدا و سیما را درک کرد.

اینجانب به عنوان نماینده قوه مجریه در شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما اعلام می‌کنم که مدیریت صدا و سیما باید به دلیل این عملکرد به ملت ایران توضیح دهد و مسؤولیت عواقب هر حادثه و پیامدهای پس از این بازی ناهنجار بر عهده مدیریت صدا و سیما است. جنبه تأسف بار دیگر، این است که پس از آن که در پی سخنان روز جمعه مقام معظم رهبری، تمایل به ایجاد آرامش در جامعه ما افزایش یافته و از جمله هماهنگیهای برای انجام انتخابات در ایام مقرر بین نهادهای ذیربط صورت گرفت و انتظار می‌رود با تصمیمات اخیر شورای نگهبان و وزارت کشور مرحله بعدی انتخابات و تشکیل مجلس آینده در مسیر مناسب خود پیش برود، در چنین شرایطی صدا و سیما با انگیزه کوبیدن بر طبل خشونت و تهییج احساسات و ارائه رفتار کاملاً متعارض با یک فضای آرام و منسجم در جامعه، اقدام به نمایش برنامه‌ای کرد نظیر آنچه سه سال پیش در قضیه کارناوال عاشورا شاهد بودیم.

عده‌ای از صاحب نظران با نگرانی این اقدام را حلقه‌ای از سلسله حوادثی تفسیر می‌کنند که در جهت ایجاد بحران و تنش و تخریب فضای آرام و باثبات است و آن را اقدامی علیه امنیت ملی تلقی می‌کنند. بی تردید این نگرانی را نمی‌توان نادیده گرفت و جا دارد مسئولین امر با

حساسیت و جدیت این عملکرد را در این چارچوب نیز مورد توجه قرار دهند. با لحاظ کردن عملکرد گذشته صدا و سیما متأسفانه اینجانب تصور می‌کنم باید منتظر مراحل بعدی یک مجموعه اقدامات برای ایجاد یک مآله جدید تشنج‌زا و وحدت‌شکن توسط صدا و سیما باشیم که این نیز بر شدت نگرانیها می‌افزاید.

احمد پورنجاتی نماینده قوه مجریه در شورای نظارت بر صدا و سیما
صدا و سیما از احساسات مذهبی و علایق ارزشی مردم سوء استفاده کرد^۱
بزرگترین خیانت هر رسانه به افکار عمومی و مخاطبان خود این است که واقعیت را دستکاری کند و تمام و کمال بازتاب ندهد و به نوعی به گمراهی و اغوای افکار عمومی دست بزند.

متأسفانه صدا و سیمای ما به دلیل برخی آغشتگیهای سیاسی که در سالهای اخیر در رفتار آن مشاهده می‌شود دچار چنین آفتی است و واقعیت‌نمایی نمی‌کند.

صدا و سیما با تمسک به شعار برخی از جریانه‌های دوم خرداد مبنی بر این که دانستن حق مردم است اقدام به نمایش فیلم کنفرانس برلین نمود. از نظر من اگر صدا و سیما در همه موارد این گونه عمل نماید نه تنها ایرادی ندارد بلکه مطلوب است، اما باید بداند اگر دانستن حق مردم است، فریب دادن خواست مردم نیست.

اگر صدا و سیما واقعاً می‌خواست اطلاع‌رسانی کند باید در اندازه معمول، خبر برگزاری این کنفرانس را اعلام می‌کرد و حضور شرکت‌کنندگان را، نه از موضع پیشداورانه‌ای که اعلام کرد، بلکه از موضع واقعیت مطرح می‌کرد و چنانچه نسبت به این کنفرانس انتقاد داشت باید با خود شرکت‌کنندگان گفت‌وگو می‌کرد و سپس متن سخنرانیها را پخش می‌نمود و در یک فضای انتقادی منصفانه به بررسی آن می‌پرداخت.

صدا و سیما نباید برای نشان دادن کنفرانس برلین به شیوه‌هایی که فقط در مدلهای جنگ روانی رژیمهای توتالیتار کاربرد دارد، یعنی تدوین خودخواسته مجموعه تصاویر، مستوسل می‌شد بویژه پخش صحنه‌های مشم‌زکننده‌ای که شایسته صدا و سیمای نظام اسلامی نبود. ولی صدا و سیما با سوء استفاده از احساسات مذهبی و علایق ارزشی جامعه به طرح این موضوع پرداخت. بنابراین من برخورد صدا و سیما در این رابطه را مخدوش و غیر صادقانه می‌دانم.

اگرچه اظهارات بعضی از کسانی که در آن جلسه شرکت کردند در راستای دفاع از نظام و

۱. بیان، ۱۳۷۹/۲/۱۰، ص ۳.

اصلاحات بوده، اما تلاش آنها نتیجه‌ای در بر نداشته است. من نسبت به سخنان برخی دیگر از شرکت‌کنندگان در این کنفرانس هم شدیداً انتقاد دارم و اصولاً آنها را نمایندگان ملت ایران نمی‌دانم، بلکه آنها موج‌سواران عرصه سیاسی کشور هستند که هرگاه فضای مناسبی برای عرض اندام پیدا می‌کنند به خودنمایی سیاسی می‌پردازند.

البته از افتخارات نظام است که کسانی با همه مطرود بودن دیدگاهشان، می‌توانند در نظام ما زندگی و اظهار نظر کنند. به نظر من نباید با این افراد به دلیل اظهاراتشان برخورد امنیتی صورت بگیرد مگر این که تخلف قانونی داشته باشند.

« پیوست ۷ »

واکنش سازمان صدا و سیما

توضیحات رئیس سازمان صدا و سیما در مورد بخش کنفرانس برلین^۱

آقای لاریجانی رئیس سازمان صدا و سیما در گفت‌وگو با شبکه دوم سیما درباره کنفرانس برلین و بخش آن از سیما توضیحاتی را داد. آقای لاریجانی رئیس سازمان صدا و سیما ابتدا درباره تشکیل کنفرانس برلین گفت کنفرانس برلین در واقع دعوتی بود که از طرف حزب سبزهای آلمان انجام شد برای بررسی انتخابات ششم مجلس شورای اسلامی.

البته حزب سبزها حزب شناخته شده و شناسنامه داری است، هم از نظر موضعگیری‌هایی که در حمایت از رژیم صهیونیستی داشته و هم حمایت‌های غیر اخلاقی که نسبت به گروه‌های همجنس‌باز در آلمان دارد و همچنین موضعگیری‌های متفاوت و زیادی نسبت به مناققین در ضدیت با انقلاب اسلامی داشته است. اصل ماجرا این بود که در این کنفرانس تعدادی از شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی را دعوت کردند که با تعدادی از آلمانی‌ها عملکرد مجلس ششم شورای اسلامی را بررسی کنند.

نکته اول در واقع پیدایش این کنفرانس بود که پایه گذارش حزب سبزهاست که دارای شناسنامه مشخصی در ضدیت با انقلاب اسلامی و مواضعی که داشت.

نکته دیگر این کنفرانسها زمینه‌ها را برای این که ما افکارمان را به جهانیان برسانیم تشکیل می‌شود ولی در این کنفرانس این نشست تبدیل شد به جولانگاهی برای ضد انقلاب که آنها حرفهایشان را بزنند. ضمناً آن کسانی هم که از ایران شرکت کرده‌اند حداقل برخی از آنان در مقابل این موضع ضد انقلاب عکس العمل مناسبی نداشتند و تا حدی هم زمینه‌های گفتاری آنها را هم فراهم کرده بودند به این دلیل که آن کارکردی که ما در واقع در حضورمان در

کنفرانسهای مختلف می‌تواند انقلاب ما را معرفی بکند از درون این کنفرانس بیرون نمی‌آمد بلکه برخلاف این بود. ما به‌یاد نداریم مسؤولان جمهوری اسلامی در این نوع کنفرانسها شرکت بکنند.

این کنفرانسها که مبدأ پایه‌گذارش حزبی است که این مشخصات را دارد تجمعی از ضد انقلاب در آن شرکت کرده بود در بعضی از محلها که افرادی از مسؤولان ما در این کنفرانسها شرکت کردند، می‌توانستند پیام انقلاب را بخوبی برسانند.

نکته مهم این است که وقتی مسؤولان گاهی مواجه می‌شدند با این‌گونه رفتار ضد انقلاب عکس‌العمل مناسبی از خودشان نشان می‌دادند. مثلاً مرحوم شهید رجایی در مقابل خبرنگاران با یک سوالهایی که تخفیف انقلاب بود، مواجه شد نوعی پاسخ داد که آنها را کاملاً به عقب راند یا وقتی مقام معظم رهبری در سازمان ملل شرکت کرده و آمریکاییها آن محل را ترک کردند، چنان از خصوصیات انقلاب و آرمانهای آن دفاع کردند که اعجاب‌برانگیز بود و حتی آقای خاتمی ریاست محترم جمهور وقتی فرانسویها اعلام کردند که ما در میزبانی شما حتماً باید با شراب پذیرایی کنیم آقای خاتمی سفر را لغو کردند. بنابراین مهم عکس‌العمل است که رهبران و مسؤولان اسلامی متناسب با جایگاهی که از آن برخاستند، داشتند.

در این کنفرانس نکته مهم این است که افرادی که شرکت کردند حداقل بیشتر آنها از این خصوصیات برخوردار نبودند به‌عنوان مثال اگر نسبت به شخصیت آقای روحانی (اشکوری) توجه کنید آقای اشکوری حرفهای آنها را تأیید کرد، یا توجه به سخنان سخیف آنان نسبت به ۲۰ سال خدمات انقلاب یا بعضی از شرکت‌کنندگان بنابراین اینها از پایگاه انقلاب دفاعی نکردند و نکته اشکال‌دار این است.

نکته سوم این‌که فرض بر این باشد که این افراد آگاهی از این کنفرانس نداشتند، بنابراین وقتی شرکت کردند، می‌توانستند از این کنفرانس خارج شوند. در حالی که این کار انجام نشد و این افراد در مقابل ضد انقلاب که شعار و حرکات بسیار زشتی انجام می‌دادند حرفهایی که مورد تأیید آنها بود، گفتند و جلسه را ترک نکردند و جلسه همچنان ادامه داشت و تنها با شلوغ کردن ضد انقلاب جلسه به‌هم خورد نه به‌این دلیل که اینها جلسه را ترک کردند.

بنابراین موضعگیری افرادی که نمایندگان ملت هستند نباید این‌طور باشد. آقای لاریجانی رئیس سازمان صدا و سیما درباره انتقاد روزنامه‌ها و مطبوعات نسبت به پخش این فیلم در ایام سوگواری امام حسین (ع) گفت: البته دو سنج نسبت به‌این مآله انتقاد کرده‌اند. یک‌عده از مردم و متدینین به‌این بحث ایراد گرفتند و یک‌عده دیگر به‌پخش دوباره این فیلم علاقه نشان دادند.

وی با تشکر از مردم که نسبت به صدا و سیما حساسیت دارند، گفت من از مردم که

به خاطر دین و اعتقادشان حساسیت دارند تشکر می‌کنم. طبعاً رقص پخش کردن چیزی نیست که در حیطه کار ما باشد، ولی صدا و سیما محتاط‌تر از اینهاست نسبت به این امور.

برای این که محتوای کنفرانس مشخص شود می‌بایست تکه کوتاهی از این فیلم را انتخاب می‌کردیم برای این که این یک فیلم مستند بود و می‌خواستیم بدون تحلیل و حرف زدن تصویر سخن بگویید و تلاش این بود که فضای کنفرانس برای همگان مشخص شود بنابراین انتخاب این بخش کوتاه از فیلم الزامی بود.

از نظر فقهای دینی تا آنجا که بنده سؤال کردم مثلاً آقای هاشمی شاهرودی که ریاست قوه قضائیه را به عهده دارند، اشکالی نداشت یا جامعه مدرسین که از علمای بزرگ حوزه هستند، آنها هم اعلام کردند در این فیلم برای نشان دادن فضای آن کنفرانس اشکالی نداشت در حالی که حرکات آن خانم در این فیلم واقعاً مستهجن و تهوع‌آور بود.

بنابراین از لحاظ اشکال عمومی می‌توان این گونه پاسخ داد که رادیو تلویزیون خیلی محتاط است در این امور، اما بعضی از گروه‌ها که روی این موضوع انگشت گذاشته‌اند یک مقدار تعجب‌برانگیز است.

به نظر می‌رسد بیشتر دنبال یک موضوع فرعی هستند که اصل و محتوای کنفرانس را تحلیل نکنند.

بنابراین بعضی از شخصیت‌های این گروه‌ها که مخالف پخش این فیلم در ایام سوگواری امام حسین (ع) بودند، همان گروهی هستند که درباره آزادی ماهواره بیشتر صحبت می‌کنند. در صورتی که ماهواره برنامه‌هایش خیلی وقیح‌تر از این برنامه است.

با توجه به شرایط کنفرانس، پخش این تصویر کاری ضروری بود و امکان حذف آن هم نبود و به نظر نمی‌رسد که اشکالی داشت.

آنچه از این کنفرانس فیلم در اختیار داریم حدود سه ساعت و خُرده‌ای است و وقتی می‌خواهیم قسمتی از آن همه فیلم را انتخاب کنیم، طبعاً اسمش سانسور نیست و در تمام شبکه‌های تلویزیونی دنیا همین مرسوم است. امکان این که تمام کنفرانس پخش شود، امری است ممکن و ما نیم ساعت از آن را پخش کردیم، بنابراین این جنبه گزینشی ندارد.

مثلاً صحبت‌های آقای سبحانی قسمتی که انتخاب شده بود، آنقدر حالت تند نداشت، ولی بقیه صحبت‌های آقای سبحانی فرازهای تندتری داشت و یا خانم شهلا لاهیجی و یا مهرانگیز کار که اینها هم حرف‌های بسیار تندی را زدند و آن‌طور نیست که بقیه کنفرانس حسالت مناسب‌تری از لحاظ گفتاری داشته باشد و می‌توان گفت تنها سرکار خانم کدیور است که صحبت‌هایشان با متانت بیشتر بوده و به همین دلیل ما یادی از ایشان نکردیم. البته خود خانم کدیور اعلام کردند که آن بحث دیگری است.

این گزیده‌ای است متعادل چنانچه کسی نسبت به این موضوع شک دارد، به نظر ما عیبی ندارد. مثلاً بعضی از صحبت‌های دیگر آقای اشکوری را می‌توان پخش کرد که در مقابل اجانب و ضد انقلاب ایشان به عنوان یک روحانی که از ایران رفتند چه گفته‌اند و یا از خانم لاهیجی قطعه‌ای که در تلویزیون پخش شد چیز کم‌ضرر بود در صورتی که بقیه مطالب وی خیلی تندتر است.

از نظر من که این فیلم را مشاهده کرده‌ام این فیلم وضع متعادل‌تری نسبت به کل کنفرانس دارد و کسانی که تردید دارند می‌توانند بقیه را پخش کرد تا ببینند.

آقای دکتر علی لاریجانی در گروه‌ها و روزنامه‌ها نسبت به پخش و بهره‌برداری آن به‌منفع یک جناح گفت: ما قادر نیستیم که مانع اظهار نظرهای دیگران بشویم ما در پخش این فیلم مستند چیزی به آن اضافه نکردیم و تنها آن حوادثی که در این کنفرانس اتفاق افتاده بود قسمتی از آن را پخش کردیم و این شائبه‌ای پیش نیست. بعد از پخش این فیلم بسیاری از شخصیت‌هایی که از گروه‌های مختلف دارای پایگاه‌های سیاسی بودند موضعگیری متین، یکسان و مشترکی داشتند و صدا و سیما به‌دور از هر جریانی به کار خود ادامه می‌دهد و این را بی‌صفایی دیگران می‌دانیم که این درباره صدا و سیما قضاوت می‌کنند.

آقای لاریجانی در پاسخ به انتقاد بعضی از شخصیت‌ها، روزنامه‌ها درباره صدا و سیما گفت بعد از پخش این فیلم یک هجوم غیر طبیعی به صدا و سیما شروع شد. بدون توجه به محتوای فیلم به غرض‌ورزی و مسائل دیگر پرداختند.

بنابراین تصور می‌کنم این مشکل به‌آسانی که در مطبوعات موجود است برمی‌گردد، مقام معظم رهبری در سخنان‌شان با توجه به این مسائل بحث کردند.

وی یادآور شد بعد از دوم خرداد مطبوعات ما متکثر شد و یک روحیه نقادی و ارزیابی از شرایط کشور و رصد کردن موضوعات در آن بروز کرد که این نکته مثبتی بود، اما متأسفانه زود کارکرد حزبی به‌خود گرفت و بانندی شدند. یک‌سری از روزنامه‌ها وقتی تصمیم می‌گیرند به‌صورت مشترک حمله می‌کنند، البته مردم ما بانندی نیستند، بنابراین این موضوع برای مطبوعات یک آسیب است.

باید با ازدیادشان یک تکثیر فکری در جامعه نشان بدهند و اگر باند بر مطبوعات حاکم شود، عملاً یک رأی می‌شود و یا حداکثر دو رأی و این شکل موزون به مطبوعات کشور نمی‌دهد، حمله به صدا و سیما از این مقوله است. هیچ‌کدام وارد بحث نمی‌شوند. یا بحث‌های حاشیه‌ای موضوع را با اغراض مطرح می‌کنند و این برای مطبوعاتی که در شأن جمهوری اسلامی است مناسب نیست.

آقای لاریجانی رئیس سازمان صدا و سیما تأکید کرد طبعاً این ایراد در بعضی از ادوار

جمهوری اسلامی بروز کرده بود که کارکرد حزبی غلبه می‌کرد به یک کارکرد حرفه‌ای مطبوعاتی و رسانه‌ای و همان زمان هم ضرر و زیانش برای کشور مشاهده شد. اما در شرایط فعلی انتظار این بود که مطبوعات بتوانند با یک رویکرد واقع‌بینانه مسائل را پیگیری کنند و تکثر فکری را نشان بدهند. این غلبه یک بانندی بر مطبوعات می‌تواند یک سکوت معنی‌داری را در جامعه به وجود آورد.

افراد و گروه‌های سیاسی که نقدی بر صدا و سیما دارند می‌توانند بیایند و دفاع کنند از این کنفرانس تا مطلب برای مردم روشن شود. بنابراین ما از مطبوعات و روزنامه‌ها می‌خواهیم که کار حرفه‌ای خودشان را انجام بدهند و ما هم آماده‌ایم که نظرات مختلف را در این زمینه منعکس کنیم.

برای مطالعه بیشتر

۱. پاسخ صدا و سیما به احمد پورنجانی^۱
۲. پاسخ صدا و سیما به بیانیه جبهه دوم خرداد در خصوص بخش‌گزینی کنفرانس برلین^۲
۳. توضیح صدا و سیما^۳
۴. صدا و سیما: آماده بحث آزاد درباره کنفرانس برلین هستیم اگر اصرار کنید همه فیلم را بخش می‌کنیم^۴
۵. توضیح صدا و سیما برای یک یادداشت^۵
۶. سخنان لاریجانی در مورد اظهار نظر آیت‌الله شاهرودی تکذیب شد^۶
۷. علی لاریجانی: در بخش فیلم کنفرانس برلین اصلاً نگاه خطی نداشتیم^۷
۸. پاسخ صدا و سیما به اظهارات وزیر کشور^۸
۹. لاریجانی خطاب به موسوی لاری و مهاجرانی: افرادی که صلاحیت ندارند اظهار نظر نکنند^۹
۱۰. پاسخ صدا و سیما به سخنان پرخاشگرانه مهاجرانی^{۱۰}
۱۱. توضیح صدا و سیما درباره سخنان نعیمی‌پور، شکوری‌راد و سعیدی^{۱۱}

- | | |
|------------------------------|--------------------------------|
| ۱. هم‌میهن، ۱۳۷۹/۲/۱۳، ص ۳. | ۲. بیان، ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۹. |
| ۳. صبح امروز، ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۲. | ۴. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۱. |
| ۵. فتح، ۱۳۷۹/۱/۳۱، ص ۲. | ۶. عصر آزادگان، ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۲. |
| ۷. انتخاب، ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۲. | ۸. پیشین، ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۳. |
| ۹. بیان، ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۲. | ۱۰. کیهان، ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۳. |
| ۱۱. هم‌میهن، ۱۳۷۹/۲/۸، ص ۲. | |

« پیوست ۸ »

واکنش قوة قضائیه

مقامهای قوة قضائیه دربارهٔ بخش فیلم کنفرانس برلین اظهار نظری نکرده‌اند^۱ یک منبع آگاه گفت تاکنون هیچ‌یک از مقامهای قوة قضائیه اظهار نظری صریح دربارهٔ بخش فیلم کنفرانس برلین از سیمای جمهوری اسلامی ایران نکرده‌اند. وی این مطلب را عصر دیروز در گفت‌وگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی و در واکنش به اظهارات رئیس سازمان صدا و سیما عنوان کرد.

علی لاریجانی رئیس سازمان صدا و سیما در توضیحاتی که در مورد بخش فیلم کنفرانس برلین از شبکهٔ یک ارائه داد، مدعی شد: «از نظر فقهای دینی تا آنجا که بنده سؤال کردم، مثلاً آیت‌الله هاشمی شاهرودی که ریاست قوة قضائیه را به‌عهده دارند، بخش این فیلم را برای نشان دادن فضای کنفرانس مشکل نداشتند.»

بایگهای دشمن را تعطیل خواهیم کرد^۲
مرتضی مقتدایی
آیت‌الله مرتضی مقتدایی دادستان کل کشور دیروز در تجمع عظیم علما و طلاب حوزه‌های علمیه تهران که در حوزهٔ علمیهٔ مروی برگزار شده بود، گفت: روزنامه‌هایی را که برخلاف نظر مقام معظم رهبری، مصالح ملی و اهداف انقلاب اسلامی مطلب بنویسند و به‌عنوان بایگ‌های دشمن عمل کنند تعطیل خواهیم کرد.

آیت‌الله مرتضی مقتدایی دادستان کل کشور دیروز در تجمع عظیم علما و طلاب حوزه‌های علمیه تهران که در حوزهٔ علمیهٔ مروی برگزار شده بود ضمن بیان مطلب فوق

۱. انتخاب، ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۳.

۲. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۲.